

سورة الاحقاف



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات فرهنگی

**رضایت از رابطه زناشویی**

**از رهگذر کنش اخلاقی**

(با تأکید بر جامعه زنان)

استاد راهنما: دکتر هادی خانیکی

استاد مشاور: دکتر نعمت‌اله فاضلی

دانشجو: منصوره تبریزی

سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

## چکیده

هدف اصلی این پژوهش پیش از هر چیز شناخت عمیق و جامع رابطه مطلوب و رضایت‌بخش زناشویی است. آسیب‌هایی که امروزه خانواده را به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی در معرض تهدید قرار داده است، محققان بسیاری را بر آن داشته تا به مطالعه دقیق‌تر در این خصوص اقدام کنند. در همین مسیر، مطالعه و شناخت مقوله "رضایت از رابطه زناشویی" از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است. این مفهوم به‌میزان و کیفیت بهره‌مندی و رضایت افراد از زندگی زناشویی اشاره دارد. مراجعه به نظریه‌های این حوزه حکایت از آن دارد که برآورده شدن رضایت درونی فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تداوم رابطه دارد. به همین دلیل شناسایی دامنه انتظارات کنشگران از یک رابطه مطلوب اولویت می‌یابد. روشن است که شکل‌گیری و تداوم احساس رضایت فرد از رابطه، ارتباط تنگاتنگی با شرایط فردی و اجتماعی او دارد. یکی از این عوامل که در تحقیقات پیشین مورد توجه چندانی قرار نگرفته است، نگرش اخلاقی فرد پیرامون رابطه، و کنشی است که با تکیه بر این نگرش اتخاذ می‌کند. این پژوهش کوشیده است در خلال ارائه معرفی عمیقی از رابطه رضایت‌بخش نزد کنشگران، تأثیر گاه و بیگاه نگرش اخلاقی فرد و همسرش و کنش مبتنی بر آن فرآیند ارتباطی را به تصویر کشد.

در این پژوهش رضایت از رابطه زناشویی یک نگرش به‌شمار آمده که شناسایی آن بدون رجوع به لایه‌های پنهان اندیشه کنشگران ممکن نیست. بر این اساس، هدف این پژوهش در بدو امر کشف و توصیف مفهوم رضایت از رابطه زناشویی با تکیه بر اندیشه زنان است. با توجه به این مطالب برای انجام این پژوهش روش‌های کیفی که عمدتاً برای شناسایی دقیق و ژرف مفاهیم به‌کار می‌روند، مناسب تشخیص داده شدند. از میان روش‌های کیفی بنا بر ماهیت موضوع مورد مطالعه این پژوهش از روش "نظریه مبنایی" استفاده شده است. از آن‌جا که این روش پیش از پرداختن به پیش‌فرض‌های نظری به داده‌ها و میدان اولویت می‌دهد، در این تحقیق هم قبل از هر چیز شناسایی رابطه مطلوب با بهره‌گیری از تجربه‌های کنشگران مد نظر قرار گرفته است.

بر مبنای روش "نظریه مبنایی"، از ابتدا و در فرآیند پژوهش بررسی مطالعات نظری موثر و مرتبط برای کسب پیش‌آگاهی و نیز برای قوام بخشیدن به داده‌های تجربی از اهمیت بسیاری برخوردار است. مطالعه این نظریه‌ها حاکی از آن است که در دنیای امروز روابط میان فردی بیش از پیش تحت تأثیر تحولاتی قرار گرفته است که "فرد" و به‌طور کلی "انسان مدرن" دچار آن شده‌اند. این دست تحولات به‌همراه سایر تغییرات ساختارهای اجتماعی ادراک جدیدی از روابط انسانی را رقم زده‌اند که چالش‌ها و پرسش‌های جدیدی را در پی داشته است. در این میان، "چارچوب اخلاقی"‌ای که روابط جدید انسانی را به نظم درمی‌آورد مورد توجه فیلسوفان و محققان اجتماعی گوناگون قرار گرفته است. با توجه به این "پیش‌آگاهی"، توجه به خواسته‌های احیاناً نوپای فرد در فرآیند رابطه زناشویی و ارتباط پیچیده آن با عوامل بیرونی و به‌خصوص تعامل آن با نگرش اخلاقی برجسته می‌شود. بر این اساس، بررسی موارد اشاره شده به‌همراه تلاش‌های فرد برای کنترل و هدایت فرآیند ارتباطی و ادراک نهایی او از رابطه با همسر در مدل پارادایمی‌ای توصیف شده‌اند که محصول مرحله کدگذاری محوری در روش نظریه مبنایی است.

دستیابی به این مدل نتیجه پیشبرد فرآیند تحقیقی از طریق نمونه‌گیری، گردآوری و تحلیل به‌طور همزمان است. با استفاده از تکنیک مصاحبه برای گردآوری داده‌ها کار گردآوری با رسیدن به اشباع نظری پس از مصاحبه با ۱۶ تن به اتمام رسید. در روند انجام کار سعی شده است که پراکندگی متوازی در اکثر متغیرهای مهم اثرگذار مانند سن و تحصیلات لحاظ شود. در این پژوهش، اطلاعات گردآوری شده در مرحله "کدگذاری باز" به "مفاهیم" و سپس به "مقولات" عام‌تر تبدیل شده‌اند. این مقولات در کدگذاری محوری نظم بیشتری یافته و نهایتاً در قالب مدلی که ابعاد مختلف پژوهش حاضر را پوشش می‌دهد، ارائه شده‌اند. توصیف نهایی موضوع رضایت از رابطه زناشویی بر مبنای همین مدل صورت گرفته است.

داده‌های گردآوری شده این پژوهش حاکی از آنند که در میان افراد نمونه، جایگاه و نقشی که فرد برای خود قائل است بر کلیت اندیشه او از یک رابطه صحیح تأثیر عمیقی دارد. نمونه‌های ساده "فردیت" در میان زنان حاکی از آن است که آنان خواهان جایگاه نه لزوماً برابر، ولی موثر در "رابطه زناشویی" هستند. در اثنای رابطه "خود" با "دیگری" است که "کیفیت رابطه" و جزء‌جزء فرآیند ارتباطی فرد با طرف مقابل از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. زنان در پی‌گیری این خواسته‌های خود از زندگی، که در میل به مؤلفه‌هایی چون صمیمیت، محبت و تفاهم نمود می‌یابد، با چالش‌های بسیاری مواجه هستند. این چالش‌ها از یک‌سو متأثر از عناصر و شرایط مداخله‌گر بیرونی و از دیگر سو بازتاب شرایط تاریخی ویژه زنان هستند. این پژوهش نشان می‌دهد که نگرش اخلاقی خودآگاه و یا ناخودآگاه در روند زندگی گاه به تسهیل روابط و گاه به بغرنج شدن آن کمک کرده است. در این فرآیند پیچیده هر یک از زنان با توجه به شرایط، راهبردهای خاصی را برای قابل قبول‌تر کردن وضعیت ارتباطی به‌کار می‌گیرند. موفقیت و یا ناکامی زنان در کاربست این راهبردها احساس رضایت و یا نارضایتی درونی آنها را از رابطه با همسر در برهه‌های مختلف زندگی رقم می‌زند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عمدتاً زنان نتایج مطلوب و بلندمدتی از راهبردهایشان کسب نمی‌کنند و این عدم دستیابی به خواسته‌های زندگی در قالب احساسات پنهان بی‌تفاوتی، تسلیم و انزوا در برهه‌های مختلف زندگی انعکاس می‌یابد.

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳ - ۲۰	فصل اول : کلیات پژوهش
۴	طرح مسأله
۸	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	اهداف پژوهش
۱۱	مروری بر تحقیقات پیشین
۱۹	پی‌نوشت‌ها
۲۱ - ۸۱	فصل دوم : مبانی نظری پژوهش
۲۲	مقدمه
۲۴	۱- رضایت از زندگی زناشویی در نظریه‌های متقدمین
۲۶	۲- نظریه پردازان اندیشه مدرن
۴۳	۳- نظریه‌های پست‌مدرن
۴۷	۴- گستره مفهوم اخلاق
۵۷	۵- از اخلاق تا رضایت
۸۰	جمع‌بندی
۸۲ - ۱۱۲	فصل سوم : روش‌شناسی پژوهش
۸۳	مقدمه
۸۳	روش پژوهش

۹۴	نمونه‌گیری و جمعیت نمونه
۱۰۰	شیوه تحلیل داده‌ها
۱۰۳	مدل پارادایمی
۱۰۶	برخی مفاهیم مهم
۱۰۸	فرصت‌ها و چالش‌های روش‌شناختی و عملیاتی در پژوهش حاضر
۱۱۳ - ۱۹۷	فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده‌ها
۱۱۴	مقدمه
۱۱۵	مدل پژوهش
۱۱۶	پدیده: رضایت زنان از رابطه با همسر
۱۴۰	زمینه و عناصر مداخله‌گر
۱۵۱	شرایط علی: کنش اخلاقی
۱۶۴	استراتژی‌های کنش / کنش متقابل
۱۸۶	پیامدها
۱۹۴	جمع‌بندی مقولات بر مبنای مدل پارادایمی
۱۹۸ - ۲۱۴	فصل پنجم : جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۹۹	مقدمه
۲۰۲	دستاورد‌های پژوهش
۲۱۲	پژوهش حاضر: محدودیت‌ها و چشم‌اندازها
۲۱۵ - ۲۲۱	فهرست منابع و مآخذ
۲۲۲ - ۲۳۳	ضمیمه

## فهرست تفصیلی

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳ - ۲۰	فصل اول : کلیات پژوهش
۴	طرح مسأله
۸	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	اهداف پژوهش
۱۱	مروری بر تحقیقات پیشین
۱۱	بستر شکل گیری مفهوم رضایت از زندگی زناشویی
۱۴	مطالعات و تحقیقات تجربی
۱۷	فرصت‌ها و کاستی‌های تحقیقات تجربی پیشین
۱۹	پی‌نوشت‌ها
۲۱ - ۸۱	فصل دوم : مبانی نظری پژوهش
۲۲	مقدمه
۲۴	۱- رضایت از زندگی زناشویی در نظریه‌های متقدمین
۲۶	۲- نظریه پردازان اندیشه مدرن
۲۶	الف) رویکرد روان‌شناختی
۲۶	اریک فروم
۲۸	ب) رویکرد جامعه‌شناختی
۲۸	آنتونی گیدنز
۳۶	یورگن هابرماس
۴۳	۳- نظریه‌های پست‌مدرن

۴۳	زیگمونت باومن
۴۷	۴- گستره مفهوم اخلاق
۴۷	اخلاق از منظر فلسفی
۴۸	الف) مکاتب غیر واقع‌گرا
۴۹	ب) مکاتب واقع‌گرا
۴۹	واقع‌گرایی طبیعی
۵۱	واقع‌گرایی مابعدطبیعی
۵۷	۵- از اخلاق تا رضایت
۵۸	الف) رابطه زناشویی به مثابه رابطه‌ای انسانی
۶۰	فروم و اخلاق انسان‌گرا
۶۲	ب) رضایت زناشویی و اهمیت یافتن مفهوم فرد
۶۳	اخلاق فردگرایی دورکیم
۶۶	ج) پیوند خود و دیگری در رابطه رضایت‌بخش
۷۰	پیوند خود و دیگری در اخلاق مسئولیت
۷۳	لویناس، دریدا و "دیگری"
۷۵	د) رضایت و گفتگو
۷۸	اخلاق گفتگوی هابرماس
۸۰	جمع‌بندی

۱۱۲ - ۸۲

## فصل سوم : روش‌شناسی پژوهش

۸۳	مقدمه
۸۳	روش پژوهش
۹۲	مراحل مختلف اجرای نظریه‌مبنایی با تکیه بر پژوهش حاضر
۹۴	نمونه‌گیری و جمعیت نمونه
۱۰۰	شیوه تحلیل داده‌ها

۱۰۳	مدل پارادایمی
۱۰۶	برخی مفاهیم مهم
۱۰۸	فرصت‌ها و چالش‌های روش‌شناختی و عملیاتی در پژوهش حاضر

## فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده‌ها ۱۹۷ - ۱۱۳

۱۱۴	مقدمه
۱۱۵	مدل پژوهش
۱۱۶	پدیده: رضایت زنان از رابطه با همسر
۱۱۶	الف) مؤلفه‌های رابطه رضایت‌بخش
۱۲۹	ب) هویت فردی و خانواده
۱۳۳	ج) رابطه جنسی و رضایت روانی
۱۳۷	د) سطوح برقراری رابطه
۱۴۰	زمینه و عناصر مداخله‌گر
۱۵۱	شرایط علی: کنش اخلاقی
۱۵۳	الف) صورت‌بندی فرد از مفهوم اخلاق
۱۵۳	ویژگی‌های کنش اخلاقی
۱۵۸	دامنه عملکرد اخلاق
۱۵۹	ارتباط کنش اخلاقی با دیگر عوامل تأثیرگذار بر رضایت
۱۶۱	ب) صورت‌بندی حاصل از بازتفسیر محقق
۱۶۴	استراتژی‌های کنش / کنش متقابل
۱۶۶	الف) استراتژی‌های خود_محور
۱۷۷	ب) استراتژی‌های دیگری_محور
۱۸۶	پیامدها
۱۸۷	الف) احساس رضایت
۱۸۸	ب) عدم احساس رضایت



۱۹۴	جمع‌بندی مقولات برمبنای مدل پارادایمی
۱۹۸ - ۲۱۴	فصل پنجم : جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۹۹	مقدمه
۲۰۲	دستاورد های پژوهش
۲۱۲	پژوهش حاضر: محدودیت‌ها و چشم‌اندازها
۲۱۵ - ۲۲۱	فهرست منابع و مآخذ
۲۲۲ - ۲۳۱	ضمیمه

## فهرست اشکال و جداول

صفحه

عنوان

### فصل دوم

- جدول ۲-۱: تحولات معنا و گستره عشق در طول تاریخ از نگاه گیدنز ۳۲
- شکل ۲-۱: رابطه ناب و ویژگی‌های آن ۳۵
- شکل ۲-۲: عوامل مؤثر بر ناپایداری روابط انسانی از نگاه باومن ۴۵
- شکل ۲-۳: مکاتب اخلاقی ۵۳

### فصل سوم

- شکل ۳-۱: نمایش نموداری همزمانی مشاهده و تجزیه و تحلیل ۸۷
- شکل ۳-۲: الگوی دورانی فرایند تحقیق ۸۹
- شکل ۳-۳: مدل پارادایمی نظریه مبنایی ۹۳
- جدول ۳-۱: پرسش‌های پژوهش ۹۹
- شکل ۳-۴: مدل پارادایمی پژوهش مطابق با روش نظریه مبنایی ۱۰۴

### فصل چهارم

- جدول ۴-۱: اطلاعات کلی افراد نمونه (مصاحبه‌شوندگان) ۱۱۴
- جدول ۴-۲: وضعیت جمعیت نمونه بر حسب اتخاذ استراتژی‌ها ۱۸۵
- شکل ۴-۱: مدل پارادایمی پژوهش ۱۹۷

## پیشگفتار

رضایت از زندگی زناشویی، موانع، آسیب‌ها و عوامل مؤثر بر آن در دنیای امروز از اهمیت به‌سزایی برخوردار شده است. با توجه به نقشی که این احساس درونی در تداوم و پایایی روابط ایفا می‌کند، پژوهش‌های مختلفی مطالعه جوانب گوناگون آن را عهده‌دار شده‌اند. در میان خیل تحقیقات انجام گرفته در این حوزه، جای پژوهش‌های کیفی که نیازها و انتظارات فرد از رابطه را مورد مطالعه عمیق‌تری قرار بدهند، خالی به نظر می‌رسد. با توجه به چنین نیازی، پژوهش حاضر شناخت انتظارات زنان از رابطه با همسر، و فرآیندی که این نیاز درونی در مواجهه با عوامل اثرگذار عینی طی می‌کنند را در سرلوحه اهداف خود قرار داده است. روشن است که چنین هدفی با بهره‌گیری و مطالعه تجربیات واقعی خود کنشگران در زندگی زناشویی به شکل بهتری محقق خواهد شد. در این میان، یکی از مسائلی که می‌تواند بر روابط میان فردی همسران اثرگذار باشد، نگرش اخلاقی افراد و کنش و واکنش‌هایی است که متأثر از این نگرش شکل می‌گیرند. از آن‌جا که تأثیر این عامل بر روابط افراد خانواده تا پیش از این کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، این پژوهش می‌کوشد تمرکز بیشتری روی نقش و تأثیرات این عامل داشته باشد.

با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر در پنج فصل به انجام رسیده است. فصل اول به کلیات تحقیق اختصاص دارد که در آن مسأله اصلی پژوهش بیان گردیده و اهداف و ضرورت آن بیان می‌شوند. در ادامه همین فصل مروری اجمالی خواهیم داشت بر پژوهش‌هایی که به نوعی با موضوع پژوهش حاضر، یعنی "رضایت زناشویی" ارتباط دارند. در فصل دوم دیدگاه‌های نظری مطرح در این حوزه بیان می‌شوند. هدف از طرح این مطالب، آشنایی با مباحث نظری مهم، و یافتن ارتباط این مباحث با داده‌های جمع‌آوری شده و تفسیر این داده‌ها در فصل چهار و پنج تحقیق است. در این فصل ابتدا نظریه‌های مهمی که به رضایت زناشویی مربوطند معرفی شده و سپس به دیدگاه‌هایی پرداخته می‌شود که به نقش نگرش‌های اخلاقی در روابط انسانی اشاره دارند. فصل سوم به معرفی مراحل روش به کار رفته در این پژوهش یعنی "نظریه مبنایی" و دلایل انتخاب این روش اختصاص

دارد. در فصل چهارم نیز داده‌های گردآوری شده، در قالب مدل پارادایمی که محصول این روش است ارائه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. فصل نهایی پژوهش به بیان یافته‌های نهایی تحقیق و یافتن ارتباط آنها با بینش‌های نظری این حوزه اختصاص دارد.

در پایان لازم می‌دانم از اساتید راهنما و مشاور این پژوهش، آقای دکتر هادی خانیکی و آقای دکتر نعمت‌اله فاضلی به خاطر راهنمایی‌ها و کمک‌های ارزنده‌ای که در این راه به من ارزانی داشته‌اند نهایت تشکر و سپاس را به جای آورم. بدون شک یاری‌ها و مساعدت‌های این دو بزرگوار نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و پیشبرد پژوهش حاضر داشته است. از آقای دکتر ابوتراب طالبی نیز که با بزرگواری و دقت داوری این کار را به عهده گرفتند سپاسگذارم. همچنین جای دارد از کلیه استادان و بزرگوارانی که در دوره کارشناسی‌ارشد مرا از نعمت آموزش و بهره‌گیری از دانش خویش بهره‌مند ساخته‌اند قدردانی کرده و سلامت و موفقیت‌های روزافزون را برایشان آرزو نمایم. در این راه همواره مدیون پدر و مادرم خواهم بود، آنها که مقدمات تحصیل مرا تا این مقطع فراهم کرده و همیشه با صبوری و مهربانی سختی‌های راه را بر من هموار کرده‌اند. همچنین لازم می‌دانم از همکار بزرگوارم خانم الهه ابوطالبی، خواهر عزیزم محبوبه تبریزی، و دوست خوبم طاهره هوشنگی تشکر کنم. این عزیزان نقش مهمی در یافتن افراد نمونه پژوهش (پاسخگویان) و ارتباط برقرار کردن با آنها ایفا کرده‌اند. همچنین کلیه کسانی که به‌عنوان افراد نمونه با صبوری و بزرگواری با اینجانب همکاری کرده‌اند را شایان قدردانی و سپاس می‌دانم و برای همگی آنها زندگی‌ای سرشار از آرامش و شادکامی آرزو دارم. در نهایت از دوست و همراه همیشگی‌ام اسماعیل عالی‌زاد نام می‌برم، کسی که احساس قدردانی‌ام از نقشی که وی در انجام این پژوهش و در تمام ابعاد زندگی‌ام ایفا کرده و می‌کند، در هیچ واژه‌ای نمی‌گنجد.

منصوره تبریزی

تهران \_ اسفند ماه ۱۳۸۷

mansooreh\_t@yahoo.com

فصل اول :

## کلیات پژوهش

طرح مسأله

اهمیت و ضرورت پژوهش

اهداف پژوهش

مروری بر تحقیقات پیشین

## طرح مسأله

"رضایت از زندگی زناشویی"<sup>(۱)</sup> یکی از مفاهیم مهم در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی خانواده است. این مفهوم به‌میزان و کیفیت بهره‌مندی و رضایت افراد از زندگی زناشویی اشاره داشته و دامنه آن در مقایسه با سایر مفاهیم مشابه تا درونی‌ترین و پنهان‌ترین اندیشه‌ها و احساسات فرد نسبت به رابطه با همسرش را در بر می‌گیرد. با توجه به اهمیت و رواج نهاد خانواده در جامعه ما و اهمیت بیش از پیشی که افراد برای رضایت خاطر درونی خود از ازدواج قائل شده و گاه آن‌را به‌عنوان عاملی برای بقا و یا فروپاشی رابطه‌شان در نظر می‌گیرند، توجه به عواملی که بر میزان و کیفیت این احساس درونی اثر می‌گذارند از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌شود.

امروزه یکی از اصلی‌ترین انتظاراتی که فرد از ازدواج در نظر می‌گیرد بهره‌مندی‌های عاطفی و روانی از رابطه و دستیابی به پایگاه مطمئنی برای کسب آرامش و امنیت است. این میل فراگیر در نحوه‌گزینش همسر و روابط پیش از ازدواج تأثیر گذاشته و در دوران‌های مختلف زندگی مشترک بر تصویر ذهنی فرد از نوع رابطه‌ای که با همسرش شکل داده است تأثیر می‌گذارد. با وجود آن که از نگاه یک ناظر بیرونی اکثر روابط زناشویی [تا جایی که به‌جدایی ختم نشوند] از نوعی استحکام و دوام نسبی برخوردار هستند و خود زوجین نیز در بررسی‌های اولیه از زندگی زناشویی خود تا حدی ابراز رضایت می‌کنند، اما با تعمق بیشتر و با بهره‌گیری از تحقیقات و مطالعاتی که در این حوزه انجام شده است، به نظر می‌رسد که درست در زمانی که افراد رضایت را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ادامه رابطه‌شان در نظر می‌گیرند کسب رضایت با مشکلات و مخاطراتی همراه شده است. از همین جاست که بسیاری از زوجین در رابطه با همسرانشان همانند دوران تنهایی از نوعی احساس

---

<sup>1</sup> - marital satisfaction

اضطراب و ناامنی رنج میبرند (باومن، ۱۳۸۴: ۴۰) و دستیابی و بهره‌مندی از منابع رضایت‌بخش از بیرون تعریف شده‌ای نظیر امکانات رفاهی و داشتن فرزند نتوانسته است به خودی خود این نیاز درونی را ارضا کند. اگر رضایت درونی<sup>(۲)</sup> از زندگی زناشویی را همانند یک طیف در نظر بگیریم کسانی که در سطوح بالاتر این طیف قرار می‌گیرند نیز گاه در خلوت، خود را تنها دیده و احساس می‌کنند روابطشان با همسرانشان از نزدیکی و استحکام کافی برخوردار نیست (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۹۲ و گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵۴). این احساس ناکامی درونی در صورت بروز یافتن و یا حتی در دوران نهفته بودن نیز عواقب و نتایج بسیاری را برای فرد، خانواده و در نهایت برای اجتماع به ارمغان خواهد آورد.

مسئله آنچه در بالا آمد محدود به هیچ یک از زوجین نبوده و هر یک از زن و مرد با توجه به عوامل مختلف اثرگذار، احساسات متفاوتی را نسبت به زندگی مشترک تجربه می‌کنند. با وجود اشتراکات فراوان میان تجربیات زن و مرد در این حوزه، می‌توان برخی وجوه متمایز را برای زنان قائل شد. تحولات اخیر جهان اگرچه به‌طور کلی بر وضعیت ذهنی و تجربی روابط انسانی اثرگذار بوده است، اما زنان به دلیل وضعیت خاص تاریخی‌شان در خانواده و جامعه، برخی تجارب متفاوت را نیز از سر می‌گذرانند. این دست تجارب متفاوت ما را بر آن می‌دارد که به‌طور خاص وضعیت زنان در این موضوع را به بحث گذاریم. این تمرکز بر حوزه زنان به معنای تأکید صرف بر تجربیات آنان در این حوزه نیست. در واقع، آنچه زنان در فرآیند ارتباط با همسر تجربه می‌کنند، برآیند اثرات کلیه عوامل بر خود و بر همسرانشان است. لذا، در ادامه می‌کوشیم عمدتاً زنان را به‌عنوان یک فرد، و یکی از طرفین رابطه در نظر بگیریم و در صورت لزوم به شرایط خاص آنها توجه و تأکید داشته باشیم.

---

<sup>2</sup>- internal satisfaction

با در نظر گرفتن مفهوم رضایت از زندگی زناشویی به عنوان یک فرآیند ذهنی<sup>(۳)</sup> و درونی، و با توجه به این که این رضایت صرفاً از طریق حذف مشکلات بیرونی و تأمین امکانات رفاهی عینی و مشاهده‌پذیر کسب نخواهد شد، می‌توان این نکته را مورد پرسش قرار داد که کنشگران از روابط مطلوب با همسر چه انتظاراتی داشته و چه تصویر ذهنی‌ای از یک رابطه مناسب در ذهن دارند. از طرف دیگر، توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که عوامل و عناصر اجتماعی چه نقشی در شکل‌دهی به این تصویر ذهنی ایفا کرده و در جریان پیشرفت آن چه نقش‌های بازدارنده و یا حمایت‌کننده‌ای را به عهده می‌گیرند. مسلم است که علل مؤثر بر رضایت افراد از زندگی زناشویی متعدد بوده و عمدتاً ارتباط تنگاتنگی با وضعیت فرهنگی و شخصیتی فرد دارند. همچنین این عوامل جدا از یکدیگر نبوده و ممکن است در بسیاری حوزه‌ها با یکدیگر همپوشانی داشته باشند، همان‌طور که در پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف به این مؤلفه‌های اثرگذار توجه شده است. پژوهش حاضر نیز در این میان تأکید بیشتری روی یکی از این مفاهیم دارد. آنچه در این جا بیش از سایر عوامل مد نظر قرار می‌گیرد نقش و جایگاه اخلاق به عنوان یک نگرش و نیز کنش منتج از آن در روابط زناشویی رضایت‌بخش است.

با توجه به این که زندگی زناشویی مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌هاست و چگونگی ساماندهی به این تعامل دوسویه از باورها، درک فرد از زندگی مشترک و نگاه وی به مفهوم رابطه و نیز از نقش و جایگاه "دیگری"<sup>(۴)</sup> تأثیر می‌پذیرد، نگرش اخلاقی فرد به عنوان چارچوبی برای جهت‌بخشی و معنادهی به این دست عوامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. بدیهی است که به کارگیری مفهوم اخلاق<sup>(۵)</sup> در یک پژوهش جامعه‌شناختی با دشواری‌هایی روبه‌رو است. این مفهوم در

---

<sup>3</sup> - subjective process

<sup>4</sup> - other

<sup>5</sup> - morality



بدو امر مفهومی مبهم و انتزاعی به نظر رسیده و در جامعه ما غالباً با مفهوم خلق و منش یکسان در نظر گرفته می‌شود. از این رو، لازم است در خلال پژوهش معنا و حیطة عمل آن به خوبی روشن شود. در همین جا ضروری به نظر می‌رسد که یک ویژگی کلی اخلاق مد نظر این پژوهش را روشن کنیم. کنش اخلاقی مورد نظر در وهله اول مبتنی بر ارزش‌های عام انسانی است که بدون توجه به صورت‌های اجرایی آنها می‌تواند میان تمام افراد مشترک باشد. کنش و نگرش اخلاقی در این پژوهش با ارزش‌های اخلاقی‌ای مرتبط می‌شوند که به بینش مذهبی، پایگاه طبقاتی و اموری از این دست وابسته نبوده و به صرف انسانیت انسان‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرند.

در نهایت این که با اذعان به ارتباط رضایت زناشویی با احساسات درونی و برداشت فرد از کیفیت زندگی، شناسایی عمق و گستره این مفهوم در جامعه امروز از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود. مسلماً شناسایی این مفهوم بدون توجه به عوامل و زمینه‌های اثرگذار بر آن کار کامل و موثری نخواهد بود. با توجه به گستردگی عواملی که در تعریف و تأمین رضایت زنان از زندگی زناشویی اثر می‌گذارند، شناخت نقشی که بینش اخلاقی فرد و همسر و کنش مبتنی بر آن به عنوان نوع خاصی از جهان بینی در این میان ایفا میکنند از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌شود و در نهایت این سؤال مطرح می‌شود که:

*پس از روشن کردن عمق و گستره مفهوم رضایت زناشویی در دنیای معاصر و با تأکید بر عوامل مختلف اثرگذار بر رضایت زنان از این رابطه، چه ابعادی از مفهوم فوق متاثر از نگرش و کنش اخلاقی هر یک از زوجین خواهد بود؟*

## **اهمیت و ضرورت پژوهش**

از آنجاکه در جامعه امروز ما خانواده هسته‌ای مهمترین واحد اجتماع را تشکیل می‌دهد، شناسایی مسائل و مشکلات خانواده نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌شود. از نگاه جامعه‌شناختی، خانواده اولین نهاد بشری و ابتدایی‌ترین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است. این نهاد اجتماعی و اعضای تشکیل دهنده آن همواره به انحاء مختلف توجه متفکرین حوزه‌های گوناگون را به خود جلب کرده است (منادی، ۱۳۸۵: ۱۴). از جمله مهمترین مسائل مطرح در این نهاد مسأله رابطه با همسر است. زن و شوهر اولین و اصلی‌ترین ارکان یک خانواده هستند. روابط خوب و سالم این دو نه تنها در تأمین آرامش و سلامت روانی فرزندان نقش کلیدی‌ای بر عهده دارد، بلکه تأثیر زیادی بر سایر کارکردهایی خواهد داشت که هر دوی آنها در سایر عرصه‌های اجتماع بر عهده دارند. به‌عبارت دیگر، برآورده شدن صحیح نیازهای جامعه ارتباط نزدیکی با نگرش و احساسات درونی‌ای دارد که افراد در خصوصی‌ترین فضاهایشان تجربه می‌کنند. دستاوردهای روانی فرد در رابطه زناشویی نه تنها بر یک بخش از زندگی و اندیشه او، که بر عملکرد او در تمام حوزه‌هایی که به نوعی با آنها سروکار دارد اثر گذار است. روشن است که تأمین رضایت درونی فرد از رابطه زناشویی تأثیرات زیادی بر جلوگیری از بروز و شکل‌گیری بسیاری از انحرافات اجتماعی نظیر اعتیاد، بزهکاری و فحشا خواهد داشت (فقیرپور، ۱۳۸۱: ۱۳). از طرف دیگر، حق برخورداری هر شخص از آرامش، امنیت روانی و رضایت از زندگی در فرآیند ارتباطی‌ای که بی‌تردید می‌توان آن را نزدیکترین و شخصی‌ترین رابطه هر شخص دانست ما را وا می‌دارد که به ایجاد فهم عمیق‌تر و کامل‌تری از این مفهوم اقدام کنیم.

اگرچه خانواده و مسائل آن در پژوهش‌ها و تحقیقات زیادی مورد بررسی قرار گرفته است، اما وجود برخی ضرورت‌های اجتماعی نظیر افزایش نرخ طلاق و رواج پدیده‌ای به نام طلاق پنهان در سال‌های اخیر ما را وامیدارد که به دنبال پژوهش‌های متنوع‌تر و عمیق‌تری در این حوزه باشیم.

مسئله رضایت زن و مرد از زندگی مشترک به کم شدن اختلافات در زندگی خانوادگی منجر شده، و با فراهم کردن محیطی امن‌تر به پایین آمدن میزان جدایی‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی منجر خواهد شد. با وجود آن‌که امروزه تحقیقات بی‌شماری پیرامون مشکلات و نابسامانی‌های خانواده صورت گرفته، اما جستجوهای نگارنده حاکی از آن است که بسیاری از این پژوهش‌ها فاقد نگاه عمیق و ژرف‌نگر بوده و عمدتاً به روش‌های کمی متکی هستند. البته با توجه به گستردگی نیازها و مسائل خانواده، مطالعه انواع آسیب‌هایی که بنیان یک خانواده سالم را تهدید می‌کنند از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که از این دست مسائل می‌توان به خشونت، طلاق و یا خیانت اشاره کرد. با این وجود اگر مبارزه با این آسیب‌ها تنها معطوف به از بین بردن نمودهای بیرونی آنها باشد و ریشه‌ها و بنیان‌های ذهنی آنها مورد توجه قرار نگیرند، آرامش و اطمینان لازم برای یک رابطه سالم به‌دست نخواهد آمد. از این‌رو، به انجام رساندن پژوهش‌هایی که لایه‌های عمیق‌تری از ذهنیات، احساسات و سایر عوامل مؤثر بر فرآیند تعامل را مورد موشکافی قرار دهند، ضروری به‌نظر می‌رسد.

با توجه به آنچه گفته شد به‌نظر می‌رسد که پیش از هر چیز لازم است انتظارات و خواسته‌های خود کنشگران از یک رابطه مؤثر شناسایی شوند. از آن‌جا که کنش‌های کنشگران در خلأ شکل نمی‌گیرند و متأثر از دیگر عوامل خرد و کلان هستند، در ادامه و همراه با پی‌گیری هدف پیشین توجه به عوامل اثرگذار بر آن ضروری به‌نظر می‌رسد. از آن‌جا که توجه گسترده به همه این عوامل از توان چنین پژوهشی خارج است و با توجه به دغدغه‌های خاص نگارنده، توجه به نوع نگرش اخلاقی فرد و دخالت آن در تعامل با همسر از اهمیت متمایزی برخوردار می‌شود. در بدو امر به‌نظر می‌رسد که چارچوب اخلاقی فرد می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در شکل‌دهی به اندیشه و رفتارهای وی، تصورات ویژه‌ای درباره نوع حقوق و وظایف و نگرش زوجین به هم و به زندگی

به‌وجود آورد و از این طریق می‌تواند در کنار سایر عوامل بر تأمین رضایت زوجین از زندگی زناشویی اثر بگذارد. البته به دلیل ذهنی و ناملموس بودن و یا نسبی دانستن مصادیق کنش اخلاقی، این مقوله کمتر در تحقیقات مورد توجه واقع شده و یا به‌عنوان بخشی از سایر عوامل اثرگذار همانند مذهب در نظر گرفته شده‌اند. از این‌رو، ضرورت دارد برای فهم بهتر عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی تمرکز بیشتری روی آن شود تا از این طریق درک روشن‌تر و کامل‌تری از این نقش و اثرات آن به‌دست آید.

## اهداف پژوهش

رضایت از زندگی زناشویی یکی از مهم‌ترین عناصری است که به زندگی خانوادگی معنا و استحکام می‌بخشد. این پژوهش نیز سعی دارد تعریف دقیق و روشنی از این مفهوم نزد کنشگران به دست داده و سپس به شناسایی یکی از عوامل احتمالی تأثیرگذار بر رضایت از زندگی زناشویی بپردازد. لذا هدف اصلی این پژوهش در وهله اول شناسایی دقیق روابط زناشویی رضایت‌بخش برای زنان در دنیای امروز است. در همین راستا شناسایی و توصیف ادراک کنشگران از مفهوم اخلاق و دامنه عملکرد آن، و نقشی که این مفهوم در رابطه زناشویی ایفا می‌کند مورد توجه قرار می‌گیرند. در دنیای امروز بین رضایت از زندگی زناشویی و تداوم خانواده پیوند تنگاتنگی برقرار شده است. در چنین شرایطی کمبود پژوهش پیرامون طیف گسترده‌ای از متغیرهای اثرگذار نمایان است. همچنین لازم است دامنه و حیطه تعریف برخی مفاهیم مورد بازبینی قرار بگیرند. از این‌رو، در این تحقیق اهداف زیر مدنظر قرار می‌گیرند: